

گزارش

تولیدکنندگان زغال سنگ از تشکیل جلسه با شریعتمداری خبردادند

هشدار به تکرار حادثه معدن یورت

● شرق: هیچ کس نیست که حادثه معدن یورت گلستان را از یاد برده باشد. حادثه‌ای تأسف‌بار که به‌علت مستهلک‌بودن تجهیزات معدن زغال‌سنگ ایران رخ داد. حالا رئیس انجمن زغال‌سنگ ایران خبر می‌دهد که این فقط مربوط به معدن یورت نیست و بسیاری از معادن زغال‌سنگ ایران گرفتار این معضل هستند و هشدار می‌دهد که حادثه معدن یورت دوباره اتفاق خواهد افتاد. محمد مجتهدزاده بر همین اساس خبر می‌دهد که بناسبت با محمد شریعتمداری، وزیر صنعت، معدن و تجارت ایران جلسه‌ای در همین زمینه داشته باشند. مجتهدزاده با اشاره به آخرین وضعیت تولید زغال‌سنگ در کشور گفت: درخشان‌ترین دوره فعالیت زغال‌سنگ در ایران در فاصله سال‌های ۴۵ تا ۵۵ بوده است که در آن زمان عملکرد منطق بر آخرین تکنولوژی‌های روز دنیا بوده است، اما اکنون بعد از گذشت ۴۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی تنها معدن زغال‌سنگ طیس با تکنولوژی روز دنیا مشغول به کار است و سایر معادن شرایط مناسبی به‌لحاظ تکنولوژی ندارند.

رئیس انجمن زغال‌سنگ ایران افزود: صد هزار کیلومتر از مساحت ایران را نواحی زغال‌سنگ‌خیز شامل طیس، کرمان، البرز شرقی و البرز مرکزی تشکیل می‌دهند که مجموع این چهار ناحیه یک‌میلیارد و ۲۰۰ میلیون تن ذخایر قطعی زغال ک شـ و یک‌میلیارد و ۵۰۰ هزار تن زغال‌سنگ حرارتی است و البته دو تا سه برابر این ارقام نیز ذخایر قطعی زغال‌سنگ کشور به‌شمار می‌رود.

او تصریح کرد: براساس آمار دقیق از تولید، در سال ۹۶ معادل یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار تن تولید کنسانتره زغال‌سنگ حاصل شده که نسبت به سال ۹۵ از رشد ۱۵ درصدی برخوردار بوده است، ضمن اینکه عمده این افزایش مرتبط با ناحیه طیس است. مجتهدزاده میزان نیاز واحد کوره‌بلند در اصفهان را یک میلیون و ۷۰۰ هزار تنی و کوره‌بلند خاورمیانه در رزن را که سال ۹۷ وارد مدار تولید می‌شود، سه میلیون و ۵۰۰ هزار تن کنسانتره عنوان و خاطرنشان کرد: بازار زغال‌سنگ و ذخیره آن نشان می‌دهد که ضرورت دارد این بازار را تأمین کنیم؛ به‌ویژه اینکه هم‌اکنون ۱۳ هزار نفر اشتغال مستقیم وجود دارد که در صورت افزایش تولید به ۲۰ هزار اشتغال مستقیم ارتقا خواهد یافت. او خواستار بهرمندی از تکنولوژی روز دنیا در معدن زغال‌سنگ شد و گفت: در سال جاری ۵۵۰ هزار تن کنسانتره از طیس تولید خواهیم کرد و شیوه تولید منطبق با تکنولوژی در این معدن الگوی مناسبی برای سایر معادن است. رئیس انجمن زغال‌سنگ با اشاره به حادثه تاسف‌برانگیز معدن زمستان‌یورت افزود: این حادثه توجه افکار عمومی را به ایمنی در معدن زغال‌سنگ جلب کرد و اکنون ارزیابی‌های ما حکایت از آن دارد که وضعیت مشابه معدن زمستان‌یورت در سایر معادن نیز مشاهده می‌شود که بخش عمده‌ای از آن به تجهیزات غیراستاندارد در این معادن برمی‌گردد و البته وزارت صنایع حساسیت لازم را در این زمینه اتخاذ کرده و نظارت‌ها دقیق‌تر شده است؛ چراکه احساس خطر می‌کنند که آن حادثه مجدد تکرار شود.

مجتهدزاده از برگزاری جلسه‌ای با وزیر صنعت در روز سه‌شنبه هفته پیش‌رو خبر داد و گفت: قرار شده گزارش‌ها به‌همراه پیشنهادها به وزیر صنعت ارائه دهیم که براساس این پیشنهاد ما آن است که چهار مرکز HSE ایمنی و بهداشت محیط‌زیست در چهار ناحیه زغال‌سنگ کشور با مرکزیت ناحیه زغال کرمان، زغال طیس، البرز شرقی و ناحیه زغال البرز مرکزی از سوی دولت احداث شود که به تمام تجهیزات ایمنی مجهز شوند.

او ادامه داد: مسئله‌ای که در کاهش حوادث نقش بسیاری دارد، آموزش نیروی کار است که در هر معدن باید گروه ایمنی و نجات مستقر شده و تجهیزات آن‌ها را در اختیار قرار دهند، ضمن اینکه هر کارگر معدن نیز باید به یک کیسول خودنجات مجهز شود. مجتهدزاده از وجود کیسول‌های خودنجات در برخی معادن خبر داد و خاطرنشان کرد: این کیسول‌ها وجود دارند اما تاریخ مصرف آنها گذشته است و پیشنهاد ما آن است که به‌عنوان بارانه بخش تولید، کلیه معدن زغال‌سنگ مجهز به این کیسول‌ها شوند.

رئیس انجمن زغال‌سنگ ایران از ارائه پیشنهادی به وزیر صنعت مبنی بر تغییر در شیوه قیمت‌گذاری زغال‌سنگ خبر داد و گفت: در سال جاری قیمت زغال‌سنگ در بازارهای جهانی شوک‌فرا‌ترین وضعیت را داشته است و قیمت آن از مرز ۲۵ دلار در هر تن هم عبور کرده است، ضمن اینکه در روزهای ابتدایی سال ۲۰۱۸ میلادی قیمت به ۲۸۰ دلار هم رسیده است؛ درحالی‌که در سال ۹۶ هنوز با گذشت ۱۰ ماه از سال، قیمت از سوی دولت اعلام نشده است.

او یکی از بخش‌های پیشران رشد اقتصادی در دنیا را زغال‌سنگ دانست و خاطرنشان کرد: علت اصلی رشد اقتصادی آمریکا در سال ۲۰۱۷ میلادی اعطای بالاترین معافیت مالیاتی به زغال‌سنگ و تحرک در این بخش بوده است، درحالی‌که اکثر معادن چندین ماه حقوق معوق کارگران را دارند که امیدواریم در جلسه روز سه‌شنبه با وزیر صنعت این مشکل حل شود.

عبدۀ تبریزی: باید هوشیار بود که بازپرداخت بدهی‌های ارزی به مشکل جدیدی برای کشور منجر نشود

فاینانس در جیب خصولتی‌ها



عکس: امیر حبیبی، نایب‌رئیس هیئت‌مدیره

نکته

- نحوه برخورد دولت‌ها با بودجه و ارز مسبب تضعیف شرایط باثبات اقتصادی است
- برای نرخ رشد درآمد سرانه ۵ درصد، خانواده‌ها باید ۴۰ درصد درآمد خود را پس‌انداز کنند
- درحالی‌که فاینانس‌ها باید عمدتاً توسط بخش خصوصی و با تعهد بنگاه‌های ایرانی گرفته شود؛ عمده فاینانس‌ها متوجه پروژه‌های دولتی بوده است
- حتی امروز هم کسانی را می‌توان یافت که قادر نبوده یا علاقه‌مند نیستند بدهی خود از محل حساب ذخیره ارزی را به نرخ مبادله ارزی روز مبدأ بازپرداخت کنند
- دامنه فساد گسترده سیستم چنددرختی ارز به عرصه سرمایه‌گذاری نیز کشیده شده است

نرخ ارز رسمی و جاری بوده و با پیش‌قیمت‌گذاری (over pricing) ارزش‌های ناعادلانه منتقل شده است. غیر از اینها، به دلیل وجود رانت، یارانه و نرخ‌های سود نازل، بخشی از منابع حساب ذخیره ارزی نیز با این دیدگاه که می‌شود در بازپرداخت آن تأخیر کرد؛ دریافت شد. سرمایه‌گذاری‌های غلط نیز فراوان بود. حتی امروز هم کسانی را می‌توان یافت که قادر نبوده یا علاقه‌مند نیستند بدهی خود از محل حساب ذخیره ارزی را به نرخ مبادله ارزی روز مبدأ بازپرداخت کنند. در مورد فاینانس‌ها نیز مشکل به ضمانت دولتی برمی‌گردد. دولت نباید برای بخش خصوصی ضمانت دهد، حتی به شرایط بد امروز. اگر می‌خواهیم خصوصی‌سازی شود و دولت وارد حساب نشود، چرا توقع داریم که برای بخش خصوصی ضمانت بازپرداخت بدهد؟ باید نظام بانکی (با همه مشکلاتش) جای دولت را بگیرد؛ باید ضمانت تجاری جای ضمانت دولتی را بگیرد. باید بنگاه‌های خصوصی ایران توان اخذ وام در دنیا را پیدا کنند. باید بتوانند از فروشگاه‌های مواد اولیه و تجهیزات خودشان اعتبار بگیرند. البته این کار در شرایط جاری و وجود تحریم‌های بانکی دشوار است، اما بحث اینجانب به میان‌مدت و بلندمدت مربوط است.

● **شرایط جذب سرمایه خارجی بعد از برجام را مثبت ارزیابی می‌کنید؟ چالش‌های جذب این سرمایه‌ها بیشتر داخلی بوده یا خارجی؟** قطعاً برجام دستاوردهای قابل‌ملاحظه‌ای داشته است. در عین حال، نهادهای مالی بزرگ دنیا نیز مصوبات برجام را اجـرا نکرده و با ایران روابط خود را گسترش ندادند. دلایل آن نیز روشن است؛ مخاطراتی که آمریکا برای آنها ایجاد کرده است. رفتار ترامپ و دستگاه‌های خارجی آن دولت نیز وضع را بدتر کرده است. البته اینها را باید افراد سیاسی بهتر بداند و من صرفاً می‌توانم به خروجی‌ها در عرصه اقتصادی اشاراتی داشته باشم. ● **برخی منتقدان می‌گویند فاینانس‌های جذب‌شده بعد از برجام بیشتر از محل منابع دپوشده ایران در زمان تحریم بوده است و فقط برای پروژه‌های**

اقتصاد

عبدۀ تبریزی: باید هوشیار بود که بازپرداخت بدهی‌های ارزی به مشکل جدیدی برای کشور منجر نشود

چه بوده است؟ البته بی‌شک بخش قابل‌ملاحظه‌ای از این فاینانس‌ها را بخش خصولتی دریافت کرده و عملکرد آنها را نباید به پای بخش خصوصی گذاشت. ● **براساس برنامه ششم توسعه، باید بیش از ۲۵ درصد از منابع مورد نیاز برای تحقق رشد هشت‌درصدی از محل فاینانس خارجی باشد؛ به‌عبارتی حدود ۲۰ میلیارد دلار سالانه. به نظر شما این میسر است؟ شرایط داخلی و اقتصادی کشور توان دستیابی به این هدف را دارد؟**

رسیدن به نرخ رشد هشت‌درصدی بسیار دشوار است. البته حتی دستیابی به رشد هشت درصدی، موجودی سرمایه در ایران را بیش از سه درصد رشد نمی‌دهد. پس واقعاً نیشزد رشد هشت‌درصدی و حتی دورقمی هستیم. اما دستیابی به این نرخ رشد، سرمایه زیاد می‌خواهد؛ به‌ویژه اگر بهره‌وری افزایش قابل‌ملاحظه نیابد. نرخ پس‌انداز داخلی اجازه انباشت سرمایه متناسب با این نرخ رشد را نمی‌دهد. پس سرمایه خارجی لازم است. اما تأمین ۳۰ میلیارد دلار دور از دسترس به نظر می‌رسد، به‌ویژه تأمین آن در همه حوزه‌هایی که این وجوه مورد نیاز است. کاری آسان نیست. هنوز تأمین منابع برای حوزه‌های نفت و گاز ساده‌تر است؛ هنوز تأمین منابع با تضمین دولتی آسان است؛ اما تأمین وجوه برای حوزه‌های دیگر فعالیت در شرایط امروز روابط خارجی ایران اصلاً آسان نیست؛ آن مبلغ ۳۰ میلیارد دلار که در مورد به ظرفیت‌های ایران، این رقم دور از دسترس نیست، اما با توجه به واقعیت‌های امروز ایران، این رقم دور از دسترس به نظر می‌رسد؛ آن هم با ترامپ.

● **این فاینانس‌های جذب‌شده، چگونه می‌خواهد بازپرداخت شود؟ در مستندات و قوانین دوره پنج تا هشت‌ونیم ساله با اقصاا شش‌ماهه برای بازپرداخت تعین شده است. آیا وضعیت فعلی اقتصادی کشور، به‌خصوص برای بخش خصوصی، اجازه بازپرداخت با این شرایط را می‌دهد؟ نوسانات نرخ ارز‌که روند صعودی به خود گرفته، بازپرداخت را با مشکل مواجه نمی‌کند؟ نگرانی از این است که ایران به‌بهرکاری بدسباب تبدیل شود.**

بله افزایش نرخ ارز، یکی از ریسک‌های مسئله است. کسی که با دلار هزار تومان از صندوق توسعه پول گرفته و بخواهد با دلار چهار هزارتومانی پول را پس بدهد، به‌ویژه اگر کالا‌های تولیدی‌اش صادراتی نباشد یا قیمت آن محصولات با دلار بالا نرود، طبعاً در بازپرداخت مشکل خواهد داشت. همه چیز به این بستگی دارد که آیا تسهیلات ارزی درستی اخذ شده یا نه؟ آیا وام‌گیرنده به قدر کافی ارزش خلق کرده است یا نه؟ آنچه بخش خصوصی دریافت کرده، مسیر خود را دارد و آنچه دولت دریافت کرده مسیر دیگری دارد. به هر حال، دولت و بنگاه‌های دولتی و خصوصی ایران تا امروز در بازپرداخت بدهی‌های خود مشکلی نداشته‌اند؛ تأخیر زیادی هم نداشته‌اند. در دهه ۷۰ دوره‌ای داشتیم که اعتبارات اسنادی مدت‌دار تمدید شد، اما تمام اصل و فرع را پرداختیم. میزان بدهی خارجی دولت نیز هنوز رقم بزرگی نشده است. بنابراین ریسک مورد اشاره شما بزرگ نیست، اما بی‌مالاتی در دریافت تسهیلات ارزی طبعاً جای نگرانی دارد و همیشه این امکان وجود دارد که کشوری را جدی گرفته کند. ایران آن‌قدر در عرصه مالی بین‌المللی مشکلات دارد که نیازی به مشکل جدید ندارد. باید هوشیار بود که بازپرداخت بدهی‌های ارزی به مشکل جدیدی برای کشور منجر نشود.

مستقیم خارجی مانند تأمین منابع مالی را برای کشور به همراه داشته‌اند؛ ولی در غیاب سیاست‌گذاری اصولی و بهینه دولت، مزایای دیگر این روش تأمین مالی از قبیل انتقال فناوری، ایجاد پیوند با اقتصاد محلی و در نهایت ایجاد ارزش افزوده بالاتر برای صنایع رخ نداده است. بسیاری از صاحب‌نظران هم تأکید دارند که سرمایه‌گذاری خارجی خوبه‌بود باعث رشد و توسعه نمی‌شود و باید با نظارت دقیق و ایجاد شرایط بهینه از این سرمایه‌ها استفاده کرد. آنها سرمایه خارجی را جاقوی دوله‌ای می‌دانند که علاوه بر داشتن اثرات مفید و مؤثر، دارای معایبی است که بی‌توجهی به آن می‌تواند آسیب‌های جدی به پیکره اقتصاد وارد کند. با توجه به شرایط بین‌المللی ایران پس از توافق برجام و بازشدن نسبی درهای اقتصاد کشور به روی سرمایه‌های جهانی و اقبال نسبتاً مناسب سرمایه‌گذاران خارجی به طرح‌ها و پروژه‌های کشور، یکی از این معایب مسئله چگونگی بازپرداخت بدهی‌های حاصل از این سرمایه‌های جذب‌شده در آینده است. سازمان سرمایه‌گذاری‌ها و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران در دستورالعمل «فرایند اخذ تسهیلات اعتباری خارجی»، دوره بازپرداخت بدهی را برای دریافت‌کنندگان اعتبارات خارجی بین پنج تا هشت‌ونیم سال برآورد می‌کند که در قالب پرداخت‌های سرانه قسطنبدنی می‌شود. به عبارت دیگر دوره بازپرداخت شامل ۱۰ الی ۱۷ قسط مساوی شش‌ماهه است که البته جدول پیش‌بینی بازپرداخت وجوه دریافتی، نحوه و زمان دریافت و بازپرداخت وام و هزینه‌های مرتب بر وام دریافتی ازجمله سود، هزینه مدیریت، هزینه تعهد و بیمه از سوی بانک مرکزی تنظیم می‌شود. با وجود این فرایند نسبتاً دقیق، سؤال مهم درباره توانایی مالی و اقتصادی این پرداخت‌هاست. آیا شرکت‌های ایرانی با توجه به وضعیت فعلی و دورنمای اقتصادی کشور که بازگشت سرمایه را قبل از پنج سال با ابهام مواجه می‌کند، کاهش قیمت نفت، باقی‌ماندن مشکلات تبادلات پولی کشور در سطح بین‌المللی، کاهش درآمد سرانه مردم که به‌ویژه طرح‌های سرمایه‌گذاری با مصرف داخلی را با معضل فروش محصول مواجه خواهد کرد و... توانایی بازپرداخت بدهی‌های خارجی را خواهند داشت؟ یا شوق حاصل از ایجاد امکان دوباره جذب منابع مالی خارجی و بی‌توجهی به توجهات اقتصادی و بازده طرح‌ها، ما را در آینده‌ای نه‌چندان دور به کشوری بدحکار و بدحساب تبدیل خواهد کرد؟

یادداشت

آیا «فاینانس» رؤیای‌ها ما را به واقعیت تبدیل خواهد کرد؟

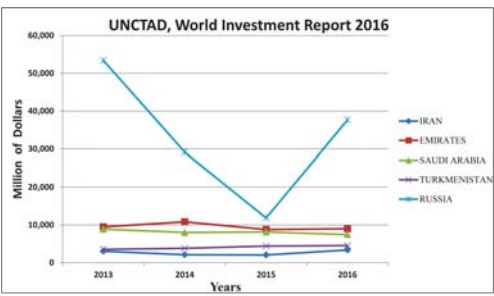


پیمان مولوی

● آیا می‌دانیم در جهانی که ما در آن به درآمدهای نفتی بسنده کرده‌ایم، سایر کشورها از چه منابعی برای رشد و توسعه اقتصادشان بهره می‌برند؟ آیا فقط با فاینانس (تأمین مالی) می‌توانیم تمام نیاز سیری‌ناپذیر کشور را برای توسعه زیرساخت‌ها جبران کنیم؟ جواب این سؤال بسیار پیچیده است؛ نه به خاطر شمارش اعداد بزرگ، بلکه برای تعاریف و پارامترهایی که برای پول در نظر خواهیم گرفت. میزان پول موجود مبتنی بر تعریفی است که ما از آن داریم. بر این اساس برای کسانی که اعتقاد دارند پول یعنی اسکناس‌ها، اوراق بانکی، سکه‌ها و پول‌های سپرده‌شده در بانک؛ جمع آنها حدود ۸۰۰ تریلیون دلار است. اما برای کسانی که اعتقاد دارند باید معیار گسترده‌تری داشته باشیم، پول دیجیتال بیت‌کوین، اوراق طلا، صندوق‌های سرمایه‌گذاری که در اوراق مشتقه سرمایه‌گذاری کرده‌اند، این عدد به هزار میلیون میلیارد دلار می‌رسد، منابع مالی سرمایه‌گذاری‌شده در اوراق مشتقه معادل هزار و ۲۰۰ میلیون میلیارد دلار است. این عدد بسیار بیشتر از مبلغ کل بازارهای سرمایه جهان است، به مبلغ ۳۰۰ تریلیون دلار که نیمی از آن نیز متعلق به بازار سرمایه ایالات متحده آمریکاست. سرمایه‌گذاری در صنعت ساختمان به عنوان مشهودترین مظهر ثروت، در قیاس با بازار سرمایه عددی حدود هفت‌ونیم تریلیون دلار را شامل می‌شود. پروژه‌ها در تمام جهان بر اساس نوع هزینه سرمایه‌ای که دارند، دست به انتخاب انواع فاینانس یا جذب سرمایه‌گذاری می‌زنند. در ایران تکنای مالی حاصل از فقدان و بلوکه‌شدن منابع برای انتقال بخشی از پول‌های ایران در آن کشورها یا تأمین مالی صادرات‌محور (تأمین منابع کالایی برای پروژه‌ها و کشورهای خارجی (تأمین خدمات وام) که، آیا این امری رایج در جهان است؟ برای کشورهایی که منابع ندارند، جواب مثبت است. آیا این نوع تأمین مالی ریسک زیادی برای اقتصاد ایران خواهد داشت؟ جواب این سؤال با توجه به کاهش مستمر ارزش ریال در مقابل دلار نیز مثبت است. آیا می‌توان به فاینانس بیشتر پروژه‌ها امیدوار بود؟ متأسفانه به خاطر رتبه اعتباری که مفصلاً بحث خواهد شد؛ خیر، ایران به سبب پایین‌بودن رتبه اعتباری بین‌المللی برای تأمین مالی بین‌المللی باید کاراتی‌های محکمی برای پوشش ریسک به تأمین‌کنندگان پرداخت کند که دولت ایران در قالب ساویرن کارانتی یا گارانتی دولتی می‌تواند فقط و فقط بخشی از آن را با توجه به بیلان مالی خود ارائه دهد و سؤال آخر این است که آیا تأمین مالی خارجی به نفع پروژه‌های کشور است؟ از دید هزینه سرمایه و کاهش آن جواب مثبت است و قدرت رقابت بین‌نگاهی محصولات ما را بالاتر می‌برد اما با درک ریسک نوسانات نرخ ارز، آیا فاینانس می‌تواند کشتی نجات کشور باشد؟ آیا می‌تواند ما را به ساحل نجات برساند و در چه شرایطی؟ برای درک بهتر این موضوع باید به سراغ موقعیت کنونی ایران برویم. در جدول رتبه‌بندی اعتباری بین‌المللی کشور ایران هم‌رده با کشور عراق، مصر، نیجریه، سریلانکا و... قرار گرفته است. رتبه اعتباری بین‌المللی معامس سرمایه‌گذاران (بانک‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌های تجاری، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و سایر مؤسسات مالی و اعتباری) برای ورود یا عدم ورود به بازارهای جدید است. به بیان دیگر اولین مشکل جدی ایران در حوزه جذب سرمایه‌گذاری بین‌المللی، رتبه اعتباری ایران است که بعد از برجام، یک پله بهبود را نشان می‌دهد، اما باید به مراتب بهتر و بهتر شود تا پای سرمایه‌گذاران با پول‌های باکیفیت به ایران باز شود. هرچه رتبه اعتباری بهتری داشته باشیم هزینه تأمین مالی برای بنگاه‌های کشور نیز پایین خواهد آمد و این روند با بدترشدن رتبه اعتباری معکوس خواهد شد. زمانی که کشوری رتبه اعتباری عالی (AAA، AA+، AA...) داشته باشد فارغ از کاهش هزینه‌های بنگاه‌های آن کشور برای دریافت پول از منابع بین‌المللی کمتر تحت فشار ضمانت‌های دولتی قرار می‌گیرند و ساختارهای مالی شرکت‌ری و رتبه‌گذاری کافی است. صاحب‌نظران می‌دانند ما در ایران با بحران ضمانت‌های دولتی روبه‌رو هستیم و کمتر تأمین‌کننده مالی در دنیا حاضر به پذیرش ضمانت شرکتی و بانکی بنگاه‌های ایرانی است. براساس تجارب نگارنده، راهبرد تأمین مالی مناسب برای ایران، باید بر اساس ترکیبی از تأمین مالی و جذب سرمایه‌گذاری در تمام بخش‌ها باشد و هم در بخش ساخت که با شرکت‌های بین‌المللی باید همراه باشد تا هزینه ساخت و طراحی کاهش یابد. در بخش بهره‌برداری نیز همراهی شرکت‌های بین‌المللی در بهره‌برداری مورد نیاز است تا بتوانیم هزینه بهره‌برداری و بازده مورد انتظار را کاهش دهیم تا در نهایت مصرف‌کننده بهای کمتری پرداخت کند و بهره‌بردار بتواند در طول دوره‌ای طولانی‌تر بهره‌برداری کند و این دو خود به مرور در تأمین مالی، جذب سرمایه خارجی نیز فعال خواهند شد. در غیر این صورت بدون ارائه ضمانت‌های دولتی تأمین مالی پروژه‌های بخش خصوصی در ایران به سبب رتبه اعتباری پایین در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست.

● **مؤسس مشاوره سرمایه‌گذاری بین‌المللی مولوی**

تجزیه و ترکیب شرکت‌های مختلفی می‌شوند که می‌توانند به رشد سریع یک شرکت در کشور مبدأ کمک کنند. فعالیت‌های ادغام و تملک می‌توانند نوعی از تجدید ساختار تعریف شوند که منجر به سازماندهی مجدد یک شرک با هدف رشد سریع و ارزش‌آوری مثبت برای آن شرکت می‌شوند. با این اوصاف می‌تواند کسی است که در مقیدبودن سرمایه‌گذاری خارجی تردیدی به خود دارد؛ اما میزان اثربخشی این پدیده برای اقتصاد ایران چگونه بوده است؟ در حوزه جذب سرمایه، بهروز علیشیری، رئیس سابق سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی، معتقد است که براساس مطالعات بین‌المللی چهار شاخص «نظام پذیرش»، «مالکیت»، «حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی» و «نقل‌وانتقال سرمایه» در جذب سرمایه‌گذاری خارجی اثرگذاری بالایی دارد؛ درحالی‌که ایران در هر چهار شاخص فوق از دنیا عقب‌تر است. درباره اثربخشی سرمایه‌های خارجی جذب‌شده در دهه اخیر نیز کارشناسان معتقدند که سرمایه‌گذاری خارجی در ایران منجر به ارتقای فناوری در سطوح عملیاتی تولید شده است، اما توانایی لازم برای شرکت‌ها در سطوح بالاتر شامل بهبود فرایند طراحی، تولید و توسعه محصول جدید، ایجاد نشده است. به عبارت دیگر ظرفیت فناوریانه شرکت‌های ایرانی استفاده‌کننده از سرمایه‌های خارجی، ارزش افزوده درخورتوجهی را در سطح صنعت ایجاد نکرده و عموماً این شرکت‌ها توانمندی تولید و مونتاژ را به دست آورده‌اند؛ بنابراین شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی که عموماً در جست‌وجوی بازار به ایران وارد شده‌اند، اکثر مزایای اولیه سرمایه‌گذاری



سیدبهبزاد کاظمی: جذب سرمایه‌های خارجی با هدف رشد و توسعه اقتصادی خوب است یا بد؟ برای تأمین مالی پروژه‌های اقتصادی منابع مختلفی مانند مالیات، پس‌اندازها، بازار سرمایه، تسهیلات بانکی، درآمدهای حاصل از منابع طبیعی و... ذکر می‌شود که سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیز به همراه آنها تنها یکی از ابزارهای عرضه کلاان سرمایه به شمار می‌آید. چرا کشوری مانند ایران که از منابع غنی نفت و گاز و نظام نسبتاً گسترده بانکی و بازار سرمایه‌ای متوسط برخوردار است، به تلاش برای جذب سرمایه‌های بیگانه احساس نیاز می‌کند؟ نگاهی به گزارش سال ۲۰۱۶ کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (آگتاد) نشان می‌دهد که حتی کشورهای غنی از منابع طبیعی مانند روسیه، عربستان، امارات و... نیز به‌ویژه در سال‌های اخیر تلاش مضاعفی برای جذب سرمایه‌های خارجی داشته‌اند. در جدول مقایسه‌ای زیر، اطلاعات سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی جذب‌شده از سوی چند کشور نفت‌خیز اطراف ایران ارائه شده است. ملاحظه کنید که ایران کمترین عملکرد را در جذب سرمایه خارجی بین کشورهای غنی همسایه‌اش در سال‌های اخیر داشته است. اما چرا این‌گونه است؟ مگر این کشورها منابع کالایی از سرمایه؟ در اختیار ندارند؟ علت تلاش‌شان برای تأمین منابع مالی خارجی چیست؟ پژوهش‌های مختلفی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری خارجی اثرات مثبتی بر متغیرهای کلاان اقتصادی و ملی مانند افزایش رشد اقتصادی، نرخ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بیشتر، کاهش نرخ بهره، کاهش نرخ ارز، توسعه صادرات، افزایش درآمدها و کاهش بدهی‌های دولت، کاهش بی‌کاری، بهبود تراز پرداخت‌ها، پیوند با اقتصاد جهانی، انتقال تکنولوژی و تخصص، ارتقای جایگاه بین‌المللی کشور، رونق‌بخشی به بازار رقابت، تکمیل زیرساخت‌ها و تولید و بهره‌برداری، افزایش کیفیت کالاها و خدمات... دارد. آنگتاد درباره مفاهیم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کارکردهای آن چنین می‌گوید: برحسب نوع ورود به دو نوع جدید (گرنفیلد) و ادغامی - تملکی تقسیم می‌شود. در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جدید، یک شرکت مادر با ایجاد زیرساخت‌ها و امکانات جدید، پروژه جدیدی را در یک کشور خارجی شروع می‌کند. علاوه‌براین اکثر شرکت‌های مادر با استخدام نیروی کار جدید، اشتغال بلندمدت را نیز در کشور خارجی افزایش می‌دهند. سرمایه‌گذاری‌های ادغام و تملک، به‌عنوان جنبه‌هایی از مدیریت استراتژیک، مربوط به خرید، فروش،